

تحلیل هفته

شماره: 515

(26 ثور - 02 جوزا 1405 هـ ش)

ارزیابی سفر رئیس جمهور ایالات متحده به چین



این نشریه هفته‌وار، تحلیل رویدادهای مهم سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی افغانستان و منطقه است که به زبان‌های پشتو، دری، انگلیسی و عربی توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی تهیه و نشر می‌گردد.

آنچه درین شماره می خوانید:

- ارزبایی سفر رئیس جمهور ایالات متحده به چین..... 3
- اهداف سفر ترامپ به چین 3
- درخواست همکاری از چین در جنگ ایران 5
- چگونه می توان جنگ تجارتي را مدیریت کرد؟ 6
- رقابت تکنالوژیکی آینده در خاورمیانه 6
- قضیه تایوان 7
- چین چارچوب جدید روابط را اعلام کرد (ثبات استراتژیک) 8
- تأثیرات آن بر افغانستان 8
- نتیجه گیری 9
- منابع 10

ارزیابی سفر رئیس جمهور ایالات متحده به چین

مقدمه

رئیس جمهور ایالات متحده امریکا، دونالد ترامپ، در تاریخ ۱۴-۱۵ می سال ۲۰۲۶ به بیجینگ سفر کرد و در آنجا با رئیس جمهور چین، شی جین پینگ، دیدار نمود. این سفر برای ثبات روابط میان ایالات متحده و چین مهم پنداشته می شود. در این دیدار، میان رهبران دو کشور درباره اختلافات تجارتي و تعرفه ها، مسئله تایوان، جنگ ایران-ایالات متحده و رژیم صهیونیستی، آینده خاورمیانه و تنگه هرمز، هوش مصنوعی (AI)، تکنالوژی و رقابت های استراتژیک گفتگو صورت گرفت.

ترامپ از خرید طیاره های امریکایی و محصولات زراعتی امریکا از سوی چین سخن گفت، اما توافقات واضح و نهایی اعلام نشد. چین تلاش کرد خود را به عنوان یک قدرت ثابت و مسئول جهانی نشان دهد، در حالی که ایالات متحده امریکا به دلیل جنگ ایران و دیگر بحران های جهانی زیر فشار قرار دارد.

از نگاه تاریخی، این دومین سفر رسمی ترامپ بود؛ او نخستین بار در سال ۲۰۱۷ نیز به چین سفر کرده بود. در این نوشتار تحلیلی، سفر رئیس جمهور ایالات متحده، ترامپ، به چین را ارزیابی خواهیم کرد و همچنان روشن خواهیم ساخت که در جریان این سفر، دو طرف بر چه موضوعاتی توافق کردند و در کدام مسائل به نتیجه رسیدند. همچنان بررسی خواهد شد که این سفر چه تأثیری بر بحران های منطقه ای و جهانی داشته است.

اهداف سفر ترامپ به چین

ترامپ در زمانی به چین سفر کرد که امریکا در جبهات متعددی درگیر است؛ از جنگ با ایران گرفته تا جنگ طولانی اوکراین، مشکلات اقتصادی داخلی و رقابت استراتژیک با چین. در حالی که جنگ ایران هنوز حل نشده است، ترامپ همراه با مقام های بلند پایه امریکایی و رؤسای شرکت های بزرگ تجارتي به چین سفر کرد. همین مسئله این پرسش را مطرح می سازد که هدف سفر رهبران امریکایی به چین در چنین مرحله حساس چیست؟

اگر به روابط چین و امریکا تنها از زاویه رقابت نگاه نشود، آشکار می گردد که دو قدرت در کنار رقابت، روابط عمیق اقتصادی و تجارتي نیز با یکدیگر دارند. بزرگ ترین تبادلات تجارتي جهان میان همین دو کشور صورت می گیرد و در عمل جدا شدن کامل آنان از یکدیگر آسان نیست.

در سال ۲۰۲۴، تجارت کالا میان دو کشور حدود ۶۵۸ میلیارد دلار بود. پس از بازگشت ترامپ به قدرت، تعرفه‌های زیادی بر کالاهای چینی وضع شد، اما با وجود آن، امریکا در سال ۲۰۲۵ نیز کالاهایی به ارزش ۳۱۸ میلیارد دلار از چین وارد کرد^۱ که بخش عمده آن را وسایل الکترونیکی و مواد معدنی نادر تشکیل می‌داد. از سوی دیگر، چین نیز در همان سال کالاهایی به ارزش ۱۰۶ میلیارد دلار از امریکا وارد نمود که بخش عمده آن سویا و دیگر محصولات زراعتی کشاورزان امریکایی بود. این ارقام نشان می‌دهد که در کنار رقابت سیاسی و نظامی، نیازهای اقتصادی هنوز هم دو کشور را به یکدیگر وابسته نگاه داشته است.

همچنان، یک نقطه حساس و خطرناک دیگر نیز میان دو قدرت وجود دارد؛ تایوان. امریکا تلاش می‌کند از تایوان به‌عنوان ابزار مهار استفاده کند و از چین امتیازات سیاسی و اقتصادی به دست آورد، اما در عین حال این نگرانی را نیز دارد که چین بر تایوان حمله نکند و امریکا در جبهه دیگری گرفتار نشود.

اکنون امریکا با دو انتخاب دشوار روبه‌رو است: «مهار چین» و «ثبات اقتصادی امریکا». در وضعیتی که امریکا در جنگ ایران میلیاردها دلار مصرف کرده و اعتبار جهانی‌اش آسیب دیده است، نمی‌خواهد رقابتش با چین وارد مرحله حساس‌تری شود. از همین رو، واشنگتن تلاش می‌کند سیاستی ترکیبی از رقابت، مهار و حفظ روابط را پیش ببرد؛ یعنی از یک سو فشار بر چین را حفظ کند و از سوی دیگر مانع رویارویی مستقیم گردد.

دو کشور در رقابت شدید با یکدیگر قرار دارند و اعتماد متقابل میان آنان وجود ندارد. امریکا تلاش می‌کند اطلاعات بیشتری درباره پیشرفت‌های نظامی و تکنولوژیک چین به دست آورد، به همین دلیل چندین بار خواهان ایجاد تمرینات مشترک نظامی و میکانیزم‌های نظامی مشترک شده است. ترامپ در این باره در گفتگو با فاکس نیوز گفته بود: «آن‌ها از ما جاسوسی می‌کنند و ما هم از آن‌ها جاسوسی می‌کنیم.»

از سوی دیگر، شی جین‌پینگ نیز به‌خوبی می‌داند که امریکا در چندین جبهه مصروف است، اقتصادش با مشکلات روبه‌رو می‌باشد، به چین وابستگی اقتصادی دارد، روابطش با برخی متحدان قدیمی ضعیف شده و با مشکلات سیاسی داخلی نیز مواجه است. به همین دلیل، شی جین‌پینگ تأکید کرد که دو کشور باید تلاش کنند «دام توسیدید» را تحت کنترل نگاه دارند.

در مجموع، امریکا تلاش می‌کند از بروز بحران مستقیم با چین جلوگیری کند، زیرا واشنگتن نمی‌خواهد در کنار فشارهای ناشی از ایران، اوکراین و دیگر بحران‌های جهانی، وارد یک رقابت بزرگ و خطرناک دیگر در سطح جهان شود؛ رقابتی که می‌تواند بقای امریکا را تهدید کند.

به‌گونه خلاصه می‌توان گفت که اهداف سفر ترامپ به چین عبارت بودند از: مدیریت فشار جنگ تجاری، گرفتن امتیازات برای شرکت‌های امریکایی، گفتگو درباره جنگ ایران، ایجاد روابط اقتصادی جدید و رساندن این پیام به سیاستمداران داخلی امریکا که او می‌تواند با چین نیز معامله کند.

درخواست همکاری از چین در جنگ ایران

ایالات متحده در جنگ ایران در وضعیت بسیار دشواری قرار گرفته است؛ اگر جنگ را رها کند، این مسئله به عنوان شکست مستقیم آن محسوب می‌شود و اگر آن را ادامه دهد، جنگ طولانی‌مدت جهانی به سود آمریکا نخواهد بود. به همین دلیل، ترامپ زیر فشار شدید قرار دارد. چین شاید کشوری باشد که بیشترین نفوذ را بر ایران دارد و مقام‌های امریکایی، به ویژه ترامپ، چندین بار از بیجینگ خواسته‌اند که در جریان جنگ کنونی از این نفوذ استفاده کند،² اما تاکنون واکنش چین محتاطانه بوده است. روشن‌ترین مداخله چین شاید این بوده که تهران را به پذیرش شرایط آتش‌بس ماه اپریل تشویق کرده است. این مسئله نشان می‌دهد که رهبران چین می‌خواهند در برابر چین همکاری‌هایی، امتیازات متقابل از آمریکا به دست آورند.

بیجینگ از دو راه حمایت و همکاری خود را با ایران نشان داده است:

۱. ادامه خرید نفت ایران؛
۲. فراهم‌سازی حمایت‌های پنهان و غیرعلنی برای تلاش‌های نظامی ایران که شامل شریک‌سازی اطلاعات استخباراتی نیز می‌شود.³

چین نه تنها انتقال پرزها برای برنامه‌های موشکی و طیاره‌های بی‌سرنشین ایران را ادامه داده، بلکه در جریان جنگ در فراهم‌سازی تصاویر فضایی نیز کمک کرده است تا نیروهای ایرانی درباره اهداف ایالات متحده و متحدانش اطلاعات دقیق‌تری به دست آورند. برای نمونه، ایران از اطلاعات تحلیلی و تعقیبی شرکت‌های استخباراتی جغرافیایی چین مانند «میزارویژن» استفاده کرده و حتی گزارش‌ها حاکی است که ایران ماهواره استخباراتی با وضاحت بلند چین به نام «TEE-01B» را نیز به اجاره گرفته است. واشنگتن در برابر این حمایت‌ها، از توقیف کشتی‌های حامل نفت ایران گرفته تا وضع تحریم‌ها بر «میزارویژن» و دیگر شرکت‌ها اقدام کرده است.⁴

نیروهای امریکایی لازم برای محاصره بندرهای ایران و دیگر عملیات احتمالی، شاید نتوانند عملیات جلوگیری دریایی را برای مدت طولانی ادامه دهند. از همین رو، ترامپ در این سفر از شی جین‌پینگ خواسته است که در جنگ ایران با آمریکا در دو بخش همکاری کند: نخست این که ایران را وادار سازد تا به توافق عدم ساخت سلاح هسته‌ای بپیوندد و دوم این که اگر این کار ممکن نشود و جنگ میان ایران و ایالات متحده آغاز گردد، چین با ایران همکاری نکند.

چگونه می توان جنگ تجارتي را مدیریت کرد؟

ایالات متحده در جریان دور نخست و دوم ریاست جمهوری ترامپ وارد جنگ تجارتي با چین شد و تعرفه های سنگینی را بر کالاهای چینی وضع کرد. در مقابل، چین نیز اقدام مشابه انجام داد و بر کالاهای امریکایی تعرفه وضع نمود. همچنان، به دلیل همکاری چین با ایران، امریکا اخیراً تعرفه ها بر کالاهای چینی را افزایش داده و بر برخی مقام های حکومت و حزب کمونیست چین نیز محدودیت های سفر وضع کرده است. یکی دیگر از اهداف سفر ایالات متحده به چین این بود که چگونه بتوان این جنگ تجارتي را مدیریت کرد و با پذیرفتن برخی خواسته ها، به این جنگ و تحریم ها پایان داد.⁵

اما چنین تصور می شود که چین در برابر این نوع فشارهای ایالات متحده تسلیم نخواهد شد و در مقابل تحریم های تجارتي، از همکاری با ایران دست نخواهد کشید. زیرا اگر چین خرید نفت ایران را متوقف کند، این اقدام تغییر بزرگی در روابط چین و ایران خواهد بود؛ تغییری که جمهوری اسلامی ایران و دیگر حکومت ها آن را خیانت یک شریک و پذیرش منافع امریکا تلقی خواهند کرد، در حالی که بیجینگ می خواهد خود را به عنوان یک قدرت قوی و قابل اعتماد معرفی کند.

چین احتمالاً این محاسبه را نیز انجام می دهد که خراب شدن روابط با تهران در درازمدت زیان های بیشتری خواهد داشت، زیرا به نظر می رسد که ایران همچنان کنترل مسیرهای دریایی آینده خلیج فارس را در دست خواهد داشت؛ منطقه ای که نزدیک به پنجاه درصد واردات نفت چین از آن تأمین می شود و در عین حال یکی از مسیرهای مهم صادرات چین نیز به شمار می رود. بنابراین، اگر چین روابط خود را با ایران خراب کند، ممکن است ایران در آینده برای منافع چین در خاورمیانه و خلیج فارس تهدید ایجاد نماید.

رقابت تکنالوژیکی آینده در خاورمیانه

عربستان سعودی و امارات متحده عربی از سال ها به این سو میلیاردها دالر سرمایه گذاری کرده اند تا اقتصاد خود را از وابستگی به نفت متنوع سازند و کشورهای شان را به مراکز هوش مصنوعی، تولید تکنالوژی و نوآوری انرژی تبدیل کنند. واشنگتن و بیجینگ هر دو تلاش دارند بر این تحول نفوذ داشته باشند؛ تحولی که زیربنای دیجیتال خاورمیانه، مشارکت های امنیتی، توافقات اقتصادی و جهت گیری جیوپولیتیکی منطقه را در سال های آینده تعیین خواهد کرد.

در جریان سفر ترامپ به خلیج در ماه می سال ۲۰۲۵، او توافقاتی به ارزش میلیاردها دالر در بخش تکنالوژی، دفاع و مواد معدنی مهم اعلام کرد. همچنان، در ماه مارچ سال جاری، سفیر امارات، یوسف العتیبه، تأیید کرد که بر اساس توافق با شرکت «انویدیا»، نخستین محموله های چیپ های پیشرفته هوش

مصنوعی از ایالات متحده به امارات متحده عربی رسیده است. به گفته الیزبت، تحلیلگر روابط بین‌الملل، این موضوع نشان می‌دهد که واشنگتن به گسترش همکاری با برخی کشورهای منتخب خلیج متعهد است. فرستادن هیأت‌های متمرکز بر تکنالوژی به بیجینگ نیز نشان می‌دهد که ایالات متحده می‌خواهد با چین در موضوعات تکنالوژیک به تفاهم برسد؛ تفاهمی که از برخورد مستقیم آنان در خاورمیانه جلوگیری کند.⁶

جنگ ایران این درک را در خاورمیانه تقویت کرد که تنها روابط و توافقات امنیتی و دفاعی کافی نیست، بلکه تحول تکنالوژیک و تولید تجهیزات نظامی نیز از پایه‌های مهم قدرت به شمار می‌رود. همچنان، از آنجا که کشورهای خاورمیانه در تصمیم آغاز جنگ علیه ایران شامل نبودند، این احتمال وجود دارد که در توافقات تکنالوژیک آینده به‌سوی چین گرایش پیدا کنند. از همین رو، ایالات متحده برای کنترل این روند و جلوگیری از رقابت شدید تکنالوژیک، تلاش کرد در این بخش با چین به تفاهم برسد.

اگر رقابت تکنالوژیک میان ایالات متحده و چین در خاورمیانه مدیریت شود، فرصت‌های تازه‌ای برای کشورهای خلیج ایجاد خواهد شد و نقش آنان را در شکل‌دهی نظام جهانی هوش مصنوعی پرنرنگ‌تر خواهد ساخت. نفوذ این کشورها تنها به تمویل مالی محدود نیست، بلکه شامل فراهم‌سازی منابع بزرگ برق برای زیربنای هوش مصنوعی، ایجاد ساحات گسترده برای مراکز معلوماتی و فراهم کردن محیط مناسب مقرراتی برای شرکت‌های بزرگ تکنالوژیک جهان نیز می‌شود.

قضیه تایوان

ترامپ در دوره دوم ریاست‌جمهوری خود در قبال تایوان موضع نسبتاً مبهمی دارد و همین مسئله در جامعه آمریکا این پرسش را مطرح کرده است که آیا ترامپ حمایت از تایوان را کاهش خواهد داد یا خیر. بیجینگ، تایوان را بخشی جداشده از خاک خود می‌داند، اما تایوان خود را یک حکومت مستقل می‌شمارد. بر بنیاد سیاست «چین واحد» (One China Policy)، تایوان بخش جدایی‌ناپذیر چین و خط سرخ بیجینگ محسوب می‌شود.⁷

مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، تأکید کرد که در سیاست آمریکا در قبال تایوان هیچ تغییری به وجود نیامده است، اما نگرانی‌ها این بود که ترامپ، که معمولاً اظهارات غیرمحتاطانه دارد، ممکن است سخنی بگوید که پیامدهای بزرگ جیوپولیتیکی در پی داشته باشد. با این حال، ترامپ در بیجینگ درباره تایوان هیچ اظهارنظر علنی نکرد، با وجود آن که شی جین‌پینگ این موضوع را مهم‌ترین بخش روابط آمریکا و چین خواند و تلاش کرد ترامپ در راستای بهبود روابط دو کشور در این مورد اظهار نظر کند. اما ترامپ خود را کنترل کرد و چیزی نگفت.⁸

با این وجود، زمانی که او در حال بازگشت بود، خبرنگاران در طیاره «ایرفورس ون» از او پرسیدند که آیا بسته بزرگ تسلیحاتی امریکا برای تایوان به پیش خواهد رفت یا خیر. ترامپ پاسخ داد که هنوز تصمیم نهایی نگرفته است. او گفت: «رئیس جمهور شی و من درباره تایوان بسیار گفتگو کردیم. او نمی خواهد جنگی برای استقلال رخ دهد، زیرا این مسئله رویارویی بسیار سختی خواهد بود.» ترامپ افزود: «من سخنان او را شنیدم، اما تبصره‌ای نکردم.»

اداره ترامپ در ماه دسامبر بسته تسلیحاتی ۱۱ میلیارد دلاری برای تایوان را تصویب کرده بود، اما این بسته هنوز عملی نشده است. همچنان، کانگرس در ماه جنوری فروش تسلیحاتی دیگری به ارزش ۱۴ میلیارد دلار را نیز تصویب کرد، اما اجرای آن نیازمند تأیید رسمی ترامپ است.^۹ وقتی از ترامپ پرسیده شد که اگر چین بر تایوان حمله کند، آیا امریکا مداخله نظامی خواهد کرد یا نه، او پاسخ روشنی نداد. این همان سیاست قدیمی امریکا است که «ابهام استراتژیک» نامیده می‌شود؛ یعنی امریکا برای تایوان تجهیزات دفاعی فراهم می‌کند، اما به صورت واضح نمی‌گوید که در صورت حمله چین، تا چه اندازه مداخله نظامی خواهد کرد.

چین چارچوب جدید روابط را اعلام کرد (ثبات استراتژیک)

چین اعلام کرد که دو رهبر بر دیدگاه جدیدی تحت عنوان «روابط سازنده چین-امریکا بر بنیاد ثبات استراتژیک» توافق کرده‌اند. وزارت امور خارجه چین گفت که این چارچوب، حداقل برای سه سال باقی مانده دوره ریاست جمهوری ترامپ، روابط دو کشور را تنظیم خواهد کرد.

این چارچوب بر سه محور تمرکز خواهد داشت:

- همکاری
- رقابت محدود
- مدیریت اختلافات

هلینا لیگاردا، پژوهشگر «انستیتوت مرکاتور» در برلین، گفت که هدف این توافق آن است که «روابط در یک مسیر متوازن حفظ شود.» جورج چین، شریک «آسیا گروپ»، نیز گفت که این رویکرد نسبت به دوره جو بایدن یک تغییر محسوب می‌شود، زیرا در زمان بایدن روابط دو کشور بیشتر در چارچوب «رقابت استراتژیک» تعریف می‌شد.^{۱۰}

تأثیرات آن بر افغانستان

سفر رئیس جمهور ایالات متحده، ترامپ، به چین می‌تواند دو سناریو داشته باشد:



سناریوی نخست این است که این سفر بتواند رقابت میان ایالات متحده و چین را مدیریت کند و روابط دو کشور از وضعیت بحرانی به وضعیت بهتر حرکت نماید. در این سناریو، روابط خوب دو قدرت یا حداقل کاهش رقابت میان آنها می‌تواند تأثیرات مثبتی بر افغانستان داشته باشد. نخستین تأثیر مثبت آن، ایجاد ثبات نسبی اقتصادی در منطقه خواهد بود و افغانستان نیز از این ثبات بهره خواهد برد؛ زیرا افغانستان بیش از هر زمان دیگر به ثبات اقتصادی نیاز دارد. همچنان، موانع در برابر پروژه «یک کمربند و یک راه» چین کاهش خواهد یافت و افغانستان خواهد توانست هم از دهلیز آسیای مرکزی این پروژه و هم از دهلیز «سپیک» بدون مشکل استفاده کند. اما اگر ایالات متحده به رقابت ادامه دهد، در گام نخست تلاش خواهد کرد مانع پروژه «یک کمربند و یک راه» شود. علاوه بر آن، در صورت بهبود روابط، پروژه‌های چینی یا پروژه‌هایی که از حمایت چین برخوردارند، بدون فشار عملی خواهند شد؛ به‌ویژه در زمینه وصل ساختن چین به آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و خاورمیانه. اگر این پروژه‌ها عملی شوند، افغانستان حتماً از آنها بهره‌مند خواهد شد.

سناریوی دوم این است که رقابت و اختلافات میان چین و ایالات متحده ادامه یابد. در چنین حالتی، این رقابت تأثیرات منفی بر افغانستان نیز خواهد داشت. نخستین تأثیر آن، شکل‌گیری بلاک‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای خواهد بود. ایالات متحده در منطقه از متحدان خود مانند هند، جاپان، کوریای جنوبی و پاکستان علیه چین استفاده خواهد کرد و استفاده از این کشورها طبیعتاً بر افغانستان نیز تأثیر خواهد گذاشت. حتی ممکن است افغانستان نیز به میدان رقابت تبدیل شود.

دومین تأثیر بزرگ منفی این خواهد بود که موقعیت جغرافیایی افغانستان، که از آن به‌عنوان نقطه وصل منطقه‌ها یاد می‌شود، به میدان رقابت اقتصادی تبدیل گردد؛ و چنین رقابت‌هایی در هیچ صورتی به سود افغانستان نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

سفر رئیس‌جمهور ایالات متحده، ترامپ، به چین بیشتر جنبه تشریفاتی داشت و دستاوردهای عملی آن محدود بود. برخی تحلیلگران غربی باور دارند که شی جین‌پینگ در گفتگوها برتری نسبی داشت، زیرا چین در موضوعات تایوان و فشارهای اقتصادی، موضع خود را نرم نکرد.

دو رهبر درباره جنگ ایران نیز گفتگو کردند، اما آن‌گونه که ایالات متحده خواهان آن بود که چین از حمایت ایران دست بکشد، هیچ دستاورد عملی به دست نیامد. در مورد تنگه هرمز و تایوان، خواست رئیس‌جمهور چین این بود که ایالات متحده در این دو موضوع تنش و مشکل ایجاد نکند. از خواسته‌های دو طرف چنین برمی‌آید که آنان به توافق عملی مشخصی نرسیده‌اند، هرچند چین اعلام کرد که دو رهبر بر «دیدگاه جدید

روابط سازنده چین-امریکا بر بنیاد ثبات استراتژیک» توافق کرده‌اند؛ دیدگاهی که تا پایان دوره ترامپ ادامه خواهد یافت.

با وجود این، ترامپ گفت که معاملات تجاری مهمی برای شرکت‌ها و کشاورزان امریکایی انجام شده است، اما در عمل توافق مشخصی دیده نمی‌شود. مسکو با دیده شک به این نشست نگاه نمی‌کند، زیرا اطمینان دارد که چین با ایالات متحده وارد معامله‌ای نخواهد شد که به جایگاه چین و نقش آن در نظام جهانی آسیب برساند. اروپایی‌ها نیز منتظر نتایج اقتصادی این سفر هستند، اما تا هنوز دستاوردهای عملی اقتصادی این سفر اعلام نشده است.

اگر روابط چین و ایالات متحده بهبود یابد، این مسئله رقابت میان دو قدرت بزرگ را کاهش خواهد داد و در چنین حالتی، تأثیرات مثبتی بر افغانستان خواهد داشت. اما اگر روابط بهبود نیابد و رقابت شدیدتر شود، این وضعیت برای افغانستان نیز پیامدهای منفی به همراه خواهد داشت.

منابع

¹ امیر حیدر. «د رقابت او اِرتیا ترمنخ؛ ولی ترمپ چین ته سفر وکر؟»، عقاب خپرونکې اداره، ۱۸ می، ۲۰۲۶، د لاسرسی وړ [لینک](#):

² Grant Rumley. "The Elephant in the Room: China's Support to Iran", Washington Institute for Near East Policy, May 13, 2026, Access [link](#):

³ Ibid.

⁴ Ibid.

⁵ Henry Tugendhat. "Weathering the Latest Skirmish in a Ten-Year Trade War" Washington Institute for Near East Policy, May 13, 2026, Access [link](#):

⁶ Elizabeth Dent. "The Gulf Remains Key to U.S.-China Tech Competition", Washington Institute for Near East Policy, May 13, 2026, Access [link](#):

⁷ WILL WEISSERT, AAMER MADHANI, KANIS LEUNG, SIMINA MISTREANU, DARLENE SUPERVILLE and HUIZHONG WU. "Takeaways from Trump's trip to China: Taiwan, a new framework for relationship and flattery for Xi", AP News, May 16, 2026, Access [link](#):

⁸ Ibid.

⁹ Ibid.

¹⁰ Ibid.


مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی یک نهاد مطالعاتی غیردولتی و غیرانتفاعی می‌باشد که در سال ۱۳۸۸ خورشیدی در شهر کابل بنیان نهاده شده است. این مرکز از طریق پژوهش‌های دقیق و بی‌طرفانه خویش به منظور ارزیابی و غنای پالیسی‌ها در افغانستان و منطقه فعالیت می‌کند.

ارتباط با ما:

ایمیل: info@csrsaf.org

وب سایت: www.csrsaf.org



 : +93780618000

تماس: +۹۳۷۸۰۶۱۸۰۰۰



www.csrsaf.org



info@csrsaf.org